



ایمان مشترک همه ما یعنی ایران

آژانسهای خبری واشنگتن روز نهم و دهم ژانویه 1979 گزارش داده بودند که دولت آمریکا از طریق ویلیام سولیوان سفیر این کشور در تهران از قول جیمی کارتر به پادشاه فقید ایران اندرز داده بود، به مصلحت اوست که ایران را ترک گوید.

یونایتد پرس از طرف دیوید نیوسام، معاون وزارت امور خارجه آمریکا نوشته بود که اگر پادشاه ایران کشورش را ترک کند، راه بازگشت او غیر ممکن است.

فرانس پرس در این زمینه چنین نوشته بود: به نظر مقامات تصمیم گیرنده آمریکای، ادامه حضور پادشاه شاه در ایران مانع برقراری آرامش در این کشور خواهد بود و لذا بهتر است که ایران را ترک گوید.

در نهایت پادشاه فقید ایران، با دسیسه بین المللی و طرح و اجرای یک عوام فریبی ملی بنام کودتای 57 کشورش را ترک کرد و غارتگران و چپاولگران به آرزوهای ننگین خود رسیدند و طی 28 سال گذشته کارنامه خون آلودی را بدست نا جمهوری انیران اسلامی به ملت ایران تحمیل کرده اند که افتخارات و کارنامه ننگین حکومت آخوندی در ایران به سرکردگی امریکا و انگلیس که گفتارهای اروپائی و روسی را نیز بدنبال خود داشتند اشاره کنم.

هفت میلیون فراری و آواره از وطن، 2 میلیون کشته و مجروح جنگ تحمیلی، نیم میلیون اعدامی در 28 سال گذشته، 10 میلیون معتاد و بی خانمان، یک میلیون

روسپی و فرزندان به فساد کشیده شده ملت ایران ، میلیاردها دلار هزینه جنگ تحمیلی ، میلیاردها دلار هزینه سازمانهای تروریستی و خرافه پردازی ، میلیاردها دلار دزدی و سرزیر کردن ته مانده سرمایه های ملی مردم ستم دیده ایران به جیب کمپانیها و جنایت کاران داخلی و خارجی. و در نهایت ملتی که به فقر کشیده شده اند و اکثر آنها زیر خط فقر بسر می برند.

هنگامیکه در برابر حرکت و خشونت مردم احساس خطر کردند ، طرح کلاهبرداری بخاک سپرده شده شیادان لوس آنجلس را که با سو استفاده از واژه رفراندم و با میلیونها دلار پول بسرقت رفته ملت ایران طراحی و راه اندازی شده بود ، بوسیله مزدوران و لابیستهای لوس آنجلس برای فریب مردم وارد میدان کردند . مزدورانیکه به کمک رژیم شتافته و می خواستند به اصطلاح تغییر قانون اساسی را به رفراندوم بگذارند.

یکی نیامد از این هفت خطهای وامانده تاریخ پیرسد که کدام رفراندوم ؟ مگر قانون اساسی (جنایتنامه) جمهوری اسلامی با مراجعه به آراء عمومی نوشته و تکمیل شده بود که تغییرش نیار به رفراندوم و مراجعه به آراء عمومی داشته باشد ؟ بفرض که شما باند شیاطین ، توانستید مردم را فریب داده و کلاه کشاد دیگری سر این ملت ستمدیده گذاشتید و قانون اساسی آخوندی را هم تغییر دادید! کدام نیروی اجرائی رژیم آخوندی مجری این قانون خواهد بود ؟ دایناسورهای شورای نگهبان و یا جنیاتکاران استبل اسلامی؟

این شیادان برعکس مفهوم واژه رفراندوم، خود شان بجای ملت رای داده و رژیم را انتخاب کرده بودند و هر کجا که به نفع جیبشان باشد ، بدون نظر مردم نیز اقدام می کنند. اینها می خواستید که با این فریب و نیرنگ ، مردم را به پای صندوقهای رای ببرند و رژیم را به آخرین آرزویش برسانند .

نام ننگین همه این رفراندومچیها در لیست رای دهندگان در انتخابات دوم خردادیهها برای خاتمی ثبت گردیده است ، و جالب اینجاست که نام بسیاری از جمهوری خواهان فسیل

شده چپگرا در لیست دیده می شود، و بیشتر این افراد به حمایت از رژیم تمایل دارند تا به ایران و تمامیت ارضی آن.

این معلولان مغزی هنوز نمی دانند که بدنبال چه هستند و در نهایت رژیم آخوندی را بر پادشاهی یا هر چیز ملی دیگری ترجیح می دهند و خود را به اسلام مارکسیستی و لنین نزدیکتر از فردوسی و خیام می دانند. و دست در دست مزدوران شناخته شده رژیم آخوندی مخلوط عجیب غریبی شده اند که هیچ نامی بجز حرامزاده لایق آنها نیست.

این خود فروختگان بی خبرند که پایه های آن کوه یخی زیر پایشان ذوب شده ، و هنوز هم مشغول ولخرجی پولهای بی حساب و کتاب از جیب ملت ایران هستند تا نیروهای مبارز را به سردرگمی و گمراهی بکشند و ته مانده سرمایه ملت ایران را به جیب شرکتهای بیگانه بریزند.

شرکتهای چند ملیتی خونخواری که نه تنها ایران را مانند یک گاو شیرده دوشیده اند، بلکه رضایت نداده و می خواهند گاو آهن به گردن این ملت انداخته و آشیانه آنها را شخم بزنند. نا گفته نماند که این مزدوران رفراندومچی و سایر گروه های حامی چپاولگران زیر چرخ بزرگ جنبش رهائی ملت ایران که در حرکت است پیشیزی ارزش ندارند و همگی له و لورده خواهند شد.

و اما اینروزها وطن فروشان رفراندومچی سابق دسته های سینه زنی براه انداخته و با علمداری اکبر گنجی و فخر آورها ، برای قدردانی از اندرز ننگین جیمی کارتر به پادشاه فقید ایران ، دوباره پای او را به میان کشیده اند و در آرزوی دریافت اندرز دیگری ، گاهی او را برای نظارت بر انتخابات و تغییر جنایتنامه اسلامی کاندید می کنند، و گاهی برای پا درمیانی بین دولت آمریکا و آدمخواران ناجمهوری انیران اسلامی. این خود فروختگان تازی صفت ، پس از گذشت 28 سال به پیامدهای اندرز جیمی کارتر به پادشاه فقید ایران و عواقب آن در کشورمان هنوز پی نبرده اند و در خواب زمستانی خود مشغول جویدن پنبه دانه هستند.

با نگاهی به فرهنگ نیاکانی و بگفته فردوسی خرد انسانی مفهومی بسیار با ارزش دارد و بدون تردید ساخته های دست بشر از برکت همان خرد و هوش و ذکاوت است، اما تا زمانیکه محیطی فراهم نگردد تا در آن آزادی اندیشه و افکار انسانی مجال بروز و پرورش پیدا کند ، دانش و دانشمند در محیط بسته و زیر فشار خفقان ناشی از باورهای مذهبی و خرافاتی محکوم به فنا است. از اینرو یا نابود می شود و یا آواره سرزمینهای بیگانه می گردد.

بنا براین کسی نیست که با خرد ورزی مخالفتی داشته باشد مگر آنهایی که منافع خود را در جهل و بی خبری دیگران می بینند. پس بیاد داشته باشید که مخالفت با خرد و دانائی یعنی مخالفت با زندگی است و تعلیم و تربیت افراد جامعه فقط برای زندگی نیست، بلکه خود زندگیست. پس خرد و خرد ورزی به یک محیط اجتماعی خرد پسند نیاز دارد!

آیا مذاهب سامی و فرزندان نا خلف آنها این آزادی اندیشه را به پیروان خود می دهند و یا اینکه مشیت الهی را چیره بر سرنوشت انسانها دانسته و همه را بسوی بهشت و حوری و غیره حواله میدهند؟

یهودیان براین باورند که قوم برگزیده خدا (بهوه) هستند و بهشت از آن قوم یهود است. مسیحیان نیز پیروان عیسی مسیح را رستگار و لایق بهشت می دانند. مسلمانان سنی معتقدند که الله تازی غیر از مسلمانان کس دیگری را به بهشت راه نمی دهد. و شیعیان عقیده دارند که غیر از شیعه های آدم کش ، افراد دیگری راهی بهشت نخواهد شد ، چرا که بقیه همه کافر هستند باید در همین دنیا گردنشان زده شود و یا دست و پایشان بریده شود . بهاءالله نیز حدود یکصد سال پیش اعلام کرد که خدا را در خواب دیده و از سوی خدا به پیامبری برگزیده شده و با اعلام آئین من در آوردی خود سایر ادیان را خارج از رده اعلام کرد و فرمودند که همه ملت های دنیا دو راه بیشتر ندارند ، یا باید بهائی شوند و یا اینکه بروند به جهنم !!

چگونه می شود با وجود اینهمه خرافات مذهبی در جوامع ما خردگرایی را پیشه کرد؟

بیاد دارید ایرانیان عقب مانده ایرا که بدون فکرو اندیشه چرندیات هخا مانندی را باور کردند!! ، اجداد همین افراد هم با همین خوشباوری اسلام را به زور شمشیر پذیرفتند . ولی امروزه آنهایی که ارادتی کورکورانه به اسلام دارند و از آن بهر شکلی سود میبرند ، خود را بخواب زده و از دیدن آنچه که در اطراف آنان میگذرد غافل مانده اند. این کوردلان روزی نه چندان دور مکافات اشتباهات احمقانه و جنایات ناشی از آن را با قیمتی گزاف خواهند پرداخت.

هم میهنان ، حاکمان غارتگر و ضد بشری انیران اسلامی که رکورد جنایتکاران تاریخ را شکسته اند ، در تلاشند که در آخرین روزهای حکومت ننگین اسلامی، کشور ما را به اربابان خود واگذار نمایند، ولی غافل از آنند که امروزه در مقابل این خود فروختگان ملتی با یک پشتوانه فرهنگی کهن بپا خاسته اند تا فرهنگ و تمدن پر افتخار خود را احیا کنند.

رزمندگان راه آزادی ، در کنار ملت ستم دیده ایران ، کار را برای اهداف شوم استعمار دشوار کرده و خواب از چشمان مزدوران و حرامزاده های تازی ربوده اند، و در مقابل تمامی توطئه های خود فروختگان داخلی و خارجی و غارتگران بین المللی با تمام توان خود ایستاده و بزودی پرونده این جنایتکاران را به دادگاه ملی خواهند سپرد.

هم میهنان گرمی ، تمام چپاولگران غربی و شرقی بار دیگر متحد شده اند که صدای آزادیخواهان را بسکوت کشانده و باز مانده ثروت ملی ما را غارت کنند. بی تفاوتی و عدم مسئولیت هر ایرانی ننگ تاریخ را برای دهها سال دیگر برای فرزندان ما بدنبال خواهد داشت .

بنام ایران و بنام کودکانی که تا صبح در کنار خیابانها از گرما و سرما جان باخته اند. بنام آن جوانانیکه که بدار آویخته می شوند. بنام آن دختر ایرانی که مجبور به تن فروشی شده است . رزمندگان راه آزادی ایران بر آنند که سقف رژیم خون و جنایت را در هم کوبند و طرحی نو بر اندازند و با استقرار یک حاکمیت پارلمانی ، افتخارات ملی و میهنی را احیا کنند، که کمک و همگامی هر چه بیشتر همو میهنان راه رسیدن به روز آزادی را نزدیکتر خواهد کرد. بپا خیزید و به ایمان مشترک همه ما یعنی ایران و فرهنگ کهن آن متکی باشید.

ایمان مشترک همه ما یعنی ایران

پاینده ایران - پایدار و سرافراز باد ملت ایران

نوشیروان حاتم - سرو آزاده

سپتامبر - 06

